



پیشگفتار:

یکی از اعتقادات در مکتب تشیع، مسئله رجعتِ مردگان به دنیا، قبل از شروع قیامت است. عالمان شیعه با عنایت به قرآن و روایات معصومین علیهم السلام اعتقاد به چنین پدیده‌ای را یکی از ضروریات مذهب شیعی، تلقی نموده‌اند.

مفهوم رجعت

«رجعت» در لغت به معنای بازگشت است که در قرآن و روایات اسلامی با واژه‌های گوناگونی نظیر کَرّه، ردّ، حشر، ایاب، که همه این واژه‌ها در معنای «بازگشت» مشترکند، استعمال می‌شود.^۱

مرحوم سید مرتضی در بیان

معنای اصطلاحی رجعت می‌فرماید: «معنای رجعت چنین است که خدای تعالی به هنگام ظهور امام زمان حضرت مهدی علیه السلام، گروهی از شیعیان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته‌اند، به دنیا باز می‌گرداند تا آنان به پاداش یآوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نائل آیند، و نیز برخی از دشمنان حضرتش را زنده می‌کند تا از ایشان انتقام گیرد، بدین ترتیب که آشکاری حق و مرتبه بالای پیروان حق را بنگرند و اندوهگین

۱. لسان العرب، ابن منظور، ج ۸، ص ۱۱۴؛ اقرب الموارد، ج ۱، ص ۳۹۱.

شوند.»

آثار رجعت

یکی از سؤالات مطرح در بحث رجعت این است که چرا باید عده‌ای از انسانها اعم از خوب و بد، قبل از قیامت، در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دنیا برگردند؟ رجعت چه اهمیتی دارد که تا این مقدار حضرات معصومین علیهم السلام در روایات، ادعیه و زیارات بر آن تاکید کرده‌اند، تا حدی که بعضی از علماء و بزرگان دین، رجعت را از ضروریات مذهب شیعه بر شمرده‌اند؟

رجعت به دنیا تنها با اذن و اراده الهی قابل تحقق است و چون خدای حکیم تمام کارها را از روی حکمت انجام می‌دهد، پس رجعت نیز دارای حکمت خواهد بود. در اینجا به مواردی از آثار رجعت اشاره می‌کنیم:

۱- انتقام گرفتن از ستمگران:

در رجعت، گروهی از منافقان و ستمگران تاریخ که در حق انسانها از هیچ ظلم و ستمی دریغ نکرده و نیز غصب کنندگان خلافت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا برمی‌گردند تا به

بخشی از مجازاتهای خویش قبل از قیامت برسند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ مَا كَانَ صَحَبَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ وَقَالَ: بِهَذَا أُنْتَقِمُ لَهُ مِنْ ظَالِمِيهِ!»

هنگامی که کار حسین علیه السلام خاتمه یافت، ملائکه به درگاه خدا تضرع کردند. پس خداوند سایه حضرت قائم را بر پا داشت و [به آنها] فرمود: بوسیله این از آنان که به او ستم کردند (قاتلین) امام حسین علیه السلام انتقام می‌گیرم.»

و معلوم است که در صورتی می‌شود امام زمان علیه السلام از قاتلین امام حسین علیه السلام انتقام بگیرد که آنها در دنیا و در قید حیات باشند و این با رجعت تحقق خواهد یافت.

۲- نصرت دین:

یکی از اهدافی که رجعت مؤمنان بر آن استوار است، نصرت و یاری رساندن به دین الهی در عصر طلائی ظهور امام زمان علیه السلام است. بزرگی و عظمت قیام جهانی حضرت

آرزوی حاکمیت دین در سراسر جهان را داشتند و در این راه مبارزه کردند، اما دشمنان دین با ظلم و جور خود نگذاشتند دین در تمام ابعاد حاکمیت یابد. در دوران رجعت، مؤمنان برمی‌گردند تا عزت دین و خفت و خواری ظالمان را ببینند.

امام باقر علیه السلام فرمود: «قَامَا الْمُؤْمِنُونَ فَيُنشَرُونَ إِلَى قُرَاةِ أَعْيُنِهِمْ وَأَمَّا الْفَجَّارُ فَيُنشَرُونَ إِلَى خِزْيِ اللَّهِ إِيَّاهُمْ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَلْيَذِيقْنَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾»^۲

اما مؤمنان به سوی روشنیهای چشمانشان برمی‌گردند [تا چشمانشان با دیدن حکومت عدل امام زمان علیه السلام روشن شود] و اما ستمگران برمی‌گردند تا دچار عذاب الهی گردند، چنانکه خداوند می‌فرماید: عذاب نزدیکتر را پیش از عذاب بزرگتر به آنها می‌چشانیم.»

براهین رجعت

پیش از آنکه به دلائل قرآنی و

مهدی علیه السلام، می‌طلبد که یاران آن حضرت از حیث تعداد و نیرو به فراخور آن نهضت باشند. رجعت، زمینه را برای همه افرادی که لایق یاری رساندن بوده و قبلا از دنیا رفته‌اند، فراهم می‌سازد. در برخی از دعاها از خدای بزرگ می‌خواهیم که ما را در دوران ظهور امام زمان علیه السلام - در صورتی که مرده باشیم - زنده گرداند تا او را یاری دهیم؛ چنانکه در دعاها ماه ذیقعده چنین می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ أَوْلِيَاكَ وَأَزِدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَأَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صُحْبِهِ وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَانِهِ»^۱

خداوندا! فرج دوستان را نزدیک کن، آنچه به ستم از آنان گرفته‌اند به ایشان برگردان و قائمشان علیه السلام را به حق ظاهر کن... خداوندا، بر آن بزرگوار و پدرانش درود فرست و ما را از یارانش قرار ده و در رجعتش محشورمان کن تا جزء یاری کنندگان آن حضرت باشیم.»

۳ - لذت بردن مؤمنان از حاکمیت

اسلام:

بسیاری از مؤمنان در طول تاریخ،

۱. مفاتیح الجنان، اعمال ماه ذی قعدة، دعای روز

بیست و پنجم.

۲. الايقاظ من الهجعة، ص ۲۷۲.

حدیثی رجعت بپردازیم، ابتدا امکان چنین پدیده‌ای را از نظر عقلی بررسی می‌کنیم و آنگاه به سراغ قرآن و حدیث رفته و موضوع را از نظر وقوع و تحقق، مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

مسئله رجعت در این دنیا با مسئله حیات مجدد در روز رستاخیز مشابهت دارد. رجعت و معاد دو پدیده همگون هستند، با این تفاوت که رجعت بافق محدود و باقلمرو دنیایی قبل از قیامت به وقوع می‌پیوندد ولی در رستاخیز اکبر همه انسانها از ابتداء تا انتهای خلقت، برانگیخته خواهند شد. بنابراین کسانی که امکان حیات مجدد را در روز رستاخیز پذیرفته‌اند، باید رجعت را که زندگی دوباره در این جهان است ممکن بدانند.

معاد یعنی برگشت روح انسان به همین بدن مادی، حال اگر چنین بازگشتی در آن مقطع زمانی (قیامت) ممکن باشد، طبعاً بازگشت آن به این جهان قبل از قیامت ممکن خواهد بود؛ چرا که امر محال در هیچ زمانی امکان وقوع ندارد.

فیلسوف بزرگ اسلامی، صدر

المتألّهین ﷺ می‌فرماید:

«در باب اعتقادات، آنچه قابل پیروی است، یا دلیل و برهان است و یا نقل صحیح و قطعی که از اهل بیت ﷺ رسیده باشد. روایات صحیح و فراوانی از امامان و سرورانمان درباره‌ی درستی عقیده به رجعت و وقوع آن به هنگام ظهور قائم آل محمد ﷺ به ما رسیده است، عقل نیز این موضوع را غیر ممکن نمی‌داند، چرا که نمونه‌های فراوانی به اذن خداوند به دست پیامبرانی چون عیسی ﷺ و شمعون ﷺ و دیگر پیامبران انجام یافته است.»^۱

بعد از بیان امکان رجعت از منظر عقل، وقوع آن را با استناد به آیات و روایات مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

استدلال به آیات قرآنی

۱- ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ

۱. شیعه و رجعت، محمد رضا طبسی نجفی، مترجم: محمد میرشاهلو، ص ۱۴۵.

يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ^۱؛

«و هنگامی که فرمان [عذاب] بر آنها رسد، جنبنده‌ای را از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنان سخن می‌گوید، که مردم به آیات ما یقین ندارند. و [به خاطر آور] روزی را که ما از هر امتی گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند محشور می‌کنیم و آنها ننگه داشته می‌شوند [تا به یکدیگر ملحق شوند].»

با بیان چند نکته، دلالت آیه بر رجعت روشن می‌شود.

الف) حشر گروهی از هر امتی غیر از حشر در روز قیامت است. حشر در آیه فوق حشر همگانی نیست در حالی که حشر در روز قیامت شامل همه انسانها می‌گردد، چنانکه در آیه‌ای در وصف حشر روز قیامت چنین آمده است:

﴿وَحَشْرُنَاَهُمْ فَلَمَّ تُغَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾^۲؛

«و همه را محشور کرده و احدی از آنان را فرو نخواهیم گذاشت.»

ب) در صدر آیه خداوند می‌فرماید: ﴿إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ﴾، و مورد اتفاق همه مفسران است که وقوع

قول (فرمان) از علائم قیامت است و روشن است که علامت یک شیء غیر از خود آن شیء است.^۳

ج) آیات قبل از این آیه از نشانه‌های قبل از رستاخیز در پایان جهان سخن گفته‌اند و در آیات آینده نیز به همین موضوع اشاره می‌شود. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که آیات قبل و بعد، از حوادث پیش از رستاخیز سخن گویند، اما آیه وسط از خود رستاخیز. هماهنگی آیات ایجاب می‌کند که همه دربارهٔ حوادث قبل از قیامت باشند.^۴

مفسران اهل سنت معمولاً این آیه را ناظر به قیامت می‌دانند، و می‌گویند کلمه «فوج» به رؤسا و سردمداران هر گروه و جمعیت اشاره دارد. آنان در مورد ناهماهنگی آیات - که از این تفسیر برمی‌خیزد - گفته‌اند: آیات در حکم تأخیر و تقدیم است و گوئی آیه

۱. نمل/۸۲ و ۸۳

۲. کهف/۴۷

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۷؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۳۹۷

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۸

در آخر الزمان ظاهر می شود و از کفر و ایمان سخن می گوید و منافقین را رسوا می سازد و بر آنها علامت می نهد.

۲- جمعی دیگر به پیروی از روایات متعددی که در این زمینه وارد شده، او را یک انسان می دانند؛ یک انسان فوق العاده، متحرک و جنبنده و فعال که یکی از کارهای اصلیش جدا ساختن صفوف مسلمین از منافقین و علامت گذاری آنهاست. حتی از برخی روایات استفاده می شود که عصای موسی علیه السلام و خاتم سلیمان علیه السلام با او است.^۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يُدْرِكُهَا طَالِبٌ وَلَا يَقْوَمُهَا هَارِبٌ فَتَسِمُ الْمُؤْمِنِينَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَيَكْتُبُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنٌ وَتَسِمُ الْكَافِرِينَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَتَكْتُبُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ كَافِرٌ، وَمَعَهَا عَصَا مُوسَى علیه السلام وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ علیه السلام»^۵

[دابة الارض بقدری نیرومند

۸۳ بعد از آیه ۸۵ قرار گرفته باشد.^۱ ولی می دانیم که هم تفسیر «فوج» به معنای مزبور خلاف ظاهر است، و هم تفسیر ناهماهنگی آیات به تقدیم و تأخیر.^۲

(د) شاهد دیگر بر دلالت آیه بر رجعت، «خروج دابة الارض» است که یکی از نشانه های رستاخیز به شمار می رود؛^۳ یعنی از نشانه هایی است که قبل از رستاخیز رخ می دهد.

«دابه» به معنای «جنبنده» و «ارض» به معنای «زمین» است. قرآن کریم از این کلمه بطور سربسته گذشته، و گویی بنا بر اجمال و ابهام بوده است. تنها وصفی که قرآن برای آن ذکر کرده این است که با مردم سخن می گوید، و افراد بی ایمان را اجمالاً مشخص می کند.

در بیان شخصیت و وصف «دابة الارض» دو قول مطرح است:

۱- گروهی آن را یک موجود جاندار و جنبنده غیر عادی از غیر جنس انسان با شکلی عجیب دانسته اند، و برای آن عجائبی نقل کرده اند که شبیه خارق عادات و معجزات انبیاء علیهم السلام است. این جنبنده

۱. مفاتیح الغیب، ج ۲۴، ص ۲۱۸.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۹.

۳. المیزان، ج ۱۵، ص ۴۳۵.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۲.

۵. بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۰؛ ایقاظ، ص ۳۳۵؛ مجمع البیان در ذیل آیه مورد بحث؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸.

غذا نخورد، گوئی قول و قسم خود را فراموش کرده است. هنگامی که عمار برخاست و با علی علیه السلام خدا حافظی کرد، آن مرد رو به او کرد و گفت: عجیب است، تو سوگند یاد کردی که غذا و آب نخوری و بر زمین نشینی مگر اینکه «دابة الارض» را به من نشان دهی. عمار در جواب گفت: «أَرَيْتُكُمَا إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ! من او را به تو نشان دادم، اگر می فهمیدی.»

۲- «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»؛^۱
«بی گمان ما رسولان خود و

کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند، یاری می دهیم.»

با بیان چند نکته روشن خواهد شد که این آیه اشاره به رجعت دارد:
الف) مفهوم و سیاق آیه دلالت بر فعلی دارد که در آینده بطور حتمی، به وقوع خواهد پیوست.

۱. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴؛ بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۲؛ الزام النصاب، ج ۲، ص ۳۴۷؛ تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۲.
۲. مؤمن / ۵۱.

است که] هیچکس به او نمی رسد و کسی نمی تواند از دست او فرار کند، بین دو چشم مؤمن علامت می گذارد و می نویسد: «مؤمن» و بین دو چشم کافر علامت می گذارد و می نویسد: «کافر!» و عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است.»

امام صادق علیه السلام فرمودند: مردی به عمار گفت: آیه ای در قرآن است که فکر مرا پریشان ساخته و مرا در شک انداخته است. عمار گفت: کدام آیه؟
گفت آیه «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ...»

عمار گفت: به خدا سوگند من روی زمین نمی نشینم و غذا و آبی نمی خورم تا «دابة الارض» را به تو نشان دهم! سپس همراه آن مرد به خدمت امام علی علیه السلام آمد، در حالی که غذا می خورد. هنگامی که چشم امام به عمار افتاد، فرمود: بیا. عمار جلو رفت و نشست و با امام علیه السلام غذا خورد. آن مرد سخت در تعجب فرو رفت و با ناباوری به این صحنه می نگریست، چرا که عمار به او قول داده بود و قسم خورده بود که تا به وعده اش وفا نکند

ب) نصرت و پیروزی که در این آیه وعده داده شده، تاکنون تحقق نیافته است و خداوند هرگز خلف وعده نمی‌کند، پس ناگزیر باید در آینده تحقق پیدا کند.

ج) همه پیامبران (به جز حضرت عیسی علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام) و مؤمنان هنگام نزول قرآن در قید حیات نبوده و در این دنیا یاری نشده‌اند، پس به مقتضای این آیه باید آنها زنده شوند تا در همین دنیا یاری شوند.

د) لفظ نصرت در مواردی به کار می‌رود که دو گروه مشغول مخاصمه و جنگ باشند و شخصی یا گروهی دیگر یکی از طرفهای درگیر را کمک کند تا بر طرف مقابل چیره شود. طبیعی است که چنین معنایی با یاری کردن خداوند به انبیاء و مؤمنان در آخرت، سازگاری ندارد بلکه مصداق آیه، با رجعت و نصرت انبیاء و اولیاء در همین دنیا، تحقق پیدا می‌کند.

شیخ مفید در تفسیر این آیه می‌فرماید: «شیعیان عقیده دارند که خدای تبارک و تعالی وعده نصرت خود را در مورد دوستانش پیش از

آخرت تحقق خواهد بخشید و آن هنگامی است که قائم علیه السلام قیام کند که در پایان آن مؤمنین رجعت می‌کنند و وعده الهی تحقق می‌یابد.»^۱

مؤید چنین برداشتی از آیه مورد نظر، حدیثی است که از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه نقل شده است. آن حضرت فرمودند: «والله فی الرجعة، أما علمت أن أنبیاء الله کثیر کم ینصروا فی الدنیا وقتلوا والآیة من بعدهم قتلوا ولم ینصروا، ذلك فی الرجعة»^۲

به خدا سوگند [این آیه] در مورد رجعت است، مگر نمی‌دانی که پیامبران خدا زیادند، در این دنیا یاری نشدند و کشته شدند، اما بعد از آنان [نیز] کشته شدند و یاری نگشتند. این آیه در مورد رجعت است.»

استدلال به روایات معصومین علیهم السلام

اخبار و روایاتی که پیرامون رجعت از معصومین علیهم السلام نقل شده، به

۱. نقل از بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۰؛ الايقاظ من الهمجة، ص ۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۰۱؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۶.

الف) رجعت در احادیث:

۱- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «مَنْ أَقْرَبَ سَبْعَةَ أَشْيَاءَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَذَكَرَ مِنْهَا الْإِيمَانَ بِالرَّجْعَةِ»^۵

هر کس به هفت چیز اعتقاد داشته باشد، مؤمن است و در میان آن هفت چیز ایمان به رجعت را ذکر فرمودند.
۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَيْسَ مِنْهُ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرْتِنَا»^۶

کسی که ایمان به رجعت مانداشته باشد از ما نیست.»

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكُرَّةِ وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ»^۷

روزهای خداوند سه تاست: روزی که قائم [آل محمد علیهم السلام] قیام کند و روز رجعت و روز قیامت.»

۴- مأمون به حضرت رضا علیه السلام

قدری زیاد است که بسیاری از بزرگان و علمای دین در طول تاریخ شیعه درباره آنها ادعای تواتر کرده‌اند.

علامه مجلسی می‌گوید: «نزديک به ۲۰۰ حدیث صریح از امامان علیهم السلام به طور متواتر به دست ما رسیده است.»^۱ مرحوم شیخ حر عاملی می‌گوید: «هیچ شکمی نیست که این احادیث مذکور به حد تواتر معنوی رسیده است و تعداد آن ۵۲۰ حدیث خواهد بود.»^۲

مرحوم طبرسی می‌گوید: «از امامان علیهم السلام به طور متواتر روایت شده که خداوند به هنگام قیام مهدی علیه السلام گروهی از دوستان و دشمنان آن حضرت را... برمی‌گرداند.»^۳

«محدث جزایری» در شرح تهذیب ادعا کرده است که ۶۲۰ حدیث پیرامون رجعت دیده است.^۴

آنچه از معصومین علیهم السلام در مورد رجعت به ما رسیده است در سه قالب احادیث، ادعیه و زیارات مطرح شده‌اند. از این رو در ذیل هر یک از این عناوین برخی از سخنان آنان را نقل می‌کنیم.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.

۲. الايقاظ من الهجعة، ص ۳۳، ۴۳۰.

۳. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴.

۴. بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۸۸.

۵. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲.

۶. همان، ص ۱۲۱.

۷. همان، ص ۶۳؛ معانی الاخبار، شیخ صدوق،

ص ۳۶۶.

عرض کرد: ای اباالحسن! در مورد رجعت چه می‌گویی؟ آن حضرت فرمودند: «إِنَّهَا الْحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأَمَمِ السَّالِفَةِ وَنَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّةِ السَّالِفَةِ حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ»^۱

رجعت حق است و در امت‌های گذشته نیز بوده و قرآن آن را بیان کرده است. و رسول خدا ﷺ فرمودند: آنچه در امت‌های گذشته واقع شده در این امت نیز بدون کم و کاست واقع خواهد شد. (حذو النعل بالنعل و القذة بالقذة) یعنی برابری و یکسانی فعلی که در دو زمان با شباهت کامل، گام به گام و مو به مو، تحقق پیدا می‌کند.

۵- ابوالصلاح کنانی نقل می‌کند که می‌خواستم مسائلی را از امام باقر علیه السلام بپرسم و در ضمن مایل نبودم صریحاً سؤال را مطرح کنم، امام باقر علیه السلام فرمودند: «لَعَلَّكَ تَسْأَلُ عَنِ الْكُرَاتِ؛ گویا می‌خواهی از رجعت‌ها سؤال کنی؟» گفتم: آری، فرمود: «تِلْكَ الْقُدْرَةُ وَلَا يُنْكِرُهَا إِلَّا الْقُدْرَةُ»^۲ این از قدرت [خدا] است و جز «قدریه» کسی آن را انکار نمی‌کند.

۶- ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: «أَيْتُنْكَرُ أَهْلَ الْعِرَاقِ الرَّجْعَةَ؟؛ آیا اهل عراق رجعت را انکار می‌کنند؟» گفتم: بله. فرمودند: «سُبْحَانَ اللَّهِ، أَمَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ ﴿وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾»^۳ سبحان الله! مگر قرآن نمی‌خوانند که می‌فرماید: روزی که از هر جمعی دسته‌ای را محشور می‌کنیم.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: «وَاللَّهِ لَا تَذْهَبُ الْآيَاتُ وَالْآيَاتُ حَتَّى يُعْجِبَ اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُمِيتَ الْأَخْيَاءَ وَيُرَدَّ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَيُقِيمَ دِينَهُ الَّذِي ائْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ»^۴

به خدا سوگند که روزها و شبها به سر نیاید و قیامت بر پا نشود تا آنکه خداوند مردگان را زنده کند و زندگان را بیمراند و حق را به اهلش برگرداند و دین برگزیده خود را بر پا دارد.

ب: رجعت در زیارات معصومین علیهم السلام:

۱- در زیارت جامعه می‌خوانیم:

۱. حق‌الیقین، سید سبیر، ص ۱۱؛ دولة المهدي، بهار انجی، ص ۳۸۱.
۲. الايقاظ من الهجعة، حرّ عاملی، ص ۲۷۶.
۳. همان، ص ۲۷۸.
۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۲.

قدرت خدا نبوده و جز آنکه خدا می خواهد اعتقادی ندارم.»

۴- در زیارت حضرت

ابوالفضل علیه السلام می خوانیم: «اِنْسِي بِكُمْ وَيَا يَا بِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۲

من به شما و بازگشت [و رجعت]

شما ایمان دارم.»

۵- در زیارت اربعین می خوانیم:

«وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا يَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِسُرَايِعِ دِنِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمًا»^۳

گواهی ده که من نسبت به شما مؤمنم و به بازگشتان یقین دارم، به واسطه دستوره‌های دینم و پایان کارهایم، و دل من در برابر دل شما تسلیم است.»

۶- در زیارت عسکریین آمده

است: «مُؤْمِنًا يَا يَا بِكُمْ مُصَدِّقًا بِدَوْلَتِكُمْ مُرْتَقِبًا لِأَمْرِكُمْ مُعْتَرِفًا بِشَأْنِكُمْ»^۴

در حالی که به بازگشت [و

رجعت] شما اعتقاد دارم و دولت شما

«وَأَشْهَدُ كُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَيَمَا آمَنْتُمْ بِهِ... مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ يَا يَا بِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ»

شما را گواه می گیرم که من به همه آنچه شما به آن مؤمن هستید ایمان دارم... به شما معترف و به بازگشت شما معتقد هستم و رجعت شما را تصدیق می نمایم، به انتظار فرمان و دولت شما به سر می برم.»

۲- در زیارت وارث امام

حسین علیه السلام می خوانیم: «وَأَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَائُهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا يَا بِكُمْ مُوقِنٌ»

خدا و ملائکه و انبیاء و رسولان را

گواه می گیرم که به [امامت] شما مؤمن هستم و به بازگشت شما یقین دارم.»

۳- در زیارتنامه‌ای که به امام

صادق علیه السلام برای زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و هر یک از ائمه علیهم السلام دستور فرمودند، آمده است: «اِنْسِي لِمَنْ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أَنْكِرُ لَكَ قُدْرَةَ وَلَا أَرْعَمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ»^۱

من از جمله کسانی هستم که قائل

به فضل شما و اقرار کننده به رجعت

شما هستم و [در این مورد،] منکر

۱. همان، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

۲. همان، ج ۱۰۱، ص ۲۰۰.

۳. همان، ج ۲۲، ص ۲۰۲.

۴. همان، ج ۲۲، ص ۲۳۶.

ج) رجعت در ادعیه معصومین علیهم السلام:

۱- در دعای عهد آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي
جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ
قَبْرِ مُؤْتَرِّرٍ أَكْفَنِي شَاهِرًا سِنِينَ مُجْتَرِدًا قُنَاتِي
مُكَلِّبًا دَعْوَةَ الدَّاعِي؛

پروردگارا! اگر مرگی که بر تمام
بندگان قضای حتمی قرار دادی میان
من و او (حضرت مهدی علیه السلام) جدایی
افکند، پس مرا [در هنگام ظهور
مهدی علیه السلام] از قبر برانگیز، در حالی که
کفنم را ازار خود کرده و شمشیرم را از
نیام برکشیده و نیزه‌ام را برهنه ساخته‌ام
و دعوت دعوت کننده را لبیک
می‌گویم.»

۲- در دعای روز سوم شعبان که
مقارن با میلاد سید الشهداء علیه السلام است،
چنین می‌خوانیم:

«أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ...
قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْأَنْسَرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ
يَوْمَ الْكُرَّةِ؛^۲

[خدایا] به حق زاده این روز... که
کشته اشک و آقای قوم بود و در روز

۱. همان، ج ۲۲، ص ۲۶۰.

۲. مفاتیح الجنان، اعمال روز سوم شعبان.

را تصدیق می‌کنم و چشم به راه امر [و
حکومت] شمایم و به مقام و منزلت
شما اعتراف می‌کنم.»

۷- در زیارتی که خطاب به
حضرت مهدی علیه السلام خوانده می‌شود،
آمده است:

«فَإِنْ أَدْرَكْتَ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ وَأَعْلَامَكَ
الظَّاهِرَةَ وَدَوْلَتَكَ الْفَاهِرَةَ فَعَبُدْ مِنْ عِبِيدِكَ...
وَإِنْ أَدْرَكْنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظَهْوِكَ فَأَتَوْسَّلْ بِكَ
إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظَهْوِكَ وَرَجْعَةً
فِي أَيَّامِكَ لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَأَشْفِي مِنْ
أَعْدَائِكَ قَوَادِي؛^۱

اگر دوران درخشان و پرچمهای
برافراشته و حکومت قدرتمند تو را
درک کردم، بنده‌ای از بندگان تو خواهم
بود... و اگر پیش از ظهورت، مرگ مرا
فرارسید، با توسل به تو از خدا
می‌خواهم که بر محمد و آل محمد علیهم السلام
درود فرستد و برای من بازگشتی در
دوران ظهورت و رجعتی در زمان
[حکومت] قرار دهد تا با
فرمانبرداری تو مراد خویش را دریابم
و دلم را [با انتقام] از دشمنانت شفا
بخشم!

بازگشت (رجعت) به نصرت [الهی] یاری می‌شود.»

وقوع رجعت در امتهای گذشته

بازگشت در میان امتهای گذشته، بسان رجعت اصطلاحی که در عقاید شیعه مطرح است نمی‌باشد، ولی بازگشت انسان به این دنیا پس از مرگ در امتهای گذشته اتفاق افتاده است که مواردی از آن را در ذیل می‌آوریم. وقوع چنین مواردی، دلیل بر امکان وقوع رجعت است.

۱- قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَمْ نَسِرْ إِلَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أَلَوْفَ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَخْيَبَهُمْ»^۱
«آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه‌های خود فرار کردند و آنان هزارها نفر بودند؟ (آنان به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند). خداوند به آنها گفت: بمیرید! [و به همان بیماری که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند]، سپس خدا آنها را زنده کرد.»

در تفسیر آیه فوق، امام باقر (ع) فرمودند: «إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلَ مَدْيَنَةَ مِنْ مَدَائِنِ الشَّامِ وَكَانُوا سَبْعِينَ أَلْفَ نَفْسٍ... قَالَ لَهُمُ اللَّهُ:

مُوتُوا جَمِيعًا، فَمَاتُوا مِنْ سَاعَتِهِمْ وَصَارُوا رَمِيمًا وَكَانُوا عَلَى طَرِيقِ الْمَارَةِ، فَجَمَعُوهُمْ فِي مَوْضِعٍ فَمَرَّ بِهِمْ نَبِيُّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ يُقَالُ لَهُ: حَزْقِيلُ. فَلَمَّا رَأَى تِلْكَ الْعِظَامَ بَكَى وَاسْتَعْتَبَ وَقَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ لَأَخْيَبْتَهُمْ أَلْسَاعَةً... فَعَادُوا أَخْيَاءً»^۲

آنها اهل یکی از شهرهای شام و هفتاد هزار خانوار بودند... و خداوند به آنها امر فرمود: همگی بمیرید. همه در یک ساعت مردند، و کم‌کم پوسیدند. چون در راه عابرین بودند همه را در محلی جمع کردند. یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام حزقیل از کنار آنان عبور کرد، وقتی که آن استخوانها را دید گریست و اشک ریخت و گفت: پروردگارا! ای کاش اینها را اکنون زنده می‌کردی... [با دعای آن پیامبر] آنها زنده شدند.»

۲- قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّىٰ تَأْتِيَ اللَّهُ بِجَهَنَّمَ فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^۳

۱. بقره/۲۴۳.

۲. الأيقاظ من الهمجة، ص ۱۲۳.

۳. بقره/۵۶ و ۵۷.

تَكْتُمُونَ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُعَذِّبُ اللَّهُ
الْمُؤْمِنِ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛^۲

«و [به یاد آورید] هنگامی را که فردی را به قتل رساندید، سپس درباره [قاتل] او به نزاع پرداختید. و خداوند آنچه را مخفی می‌داشتید، آشکار می‌سازد. سپس گفتیم: قسمتی از آن [گاو] را به مقتول بزنید [تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند]. خداوند این گونه مردگان را زنده می‌کند، و آیات خود را به شما نشان می‌دهد، شاید اندیشه کنید.»

در تفسیر این آیه آورده‌اند که: یک نفر از بنی اسرائیل به طرز مرموزی کشته می‌شود، در حالی که قاتل به هیچ وجه معلوم نیست. در میان قبائل بنی اسرائیل نزاع رخ می‌دهد، هر یک آن را به طایفه و افراد قبیله دیگر نسبت می‌دهد و خویش را تبرئه می‌کند. داوری را برای فصل خصومت نزد موسی علیه السلام می‌برند و حل مشکل را از

«و هنگامی که گفتید: ای موسی! به تو ایمان نمی‌آوریم تا خدای را آشکارا ببینیم! پس صاعقه شما را گرفت، در حالیکه مشغول نظاره بودید. سپس شما را پس از مرگتان زنده کردیم؛ شاید شکرگزار شوید.»

در کتابهای تفسیری آمده است: آنها هفتاد نفر بودند که حضرت موسی علیه السلام ایشان را برای شنیدن سخنان خداوند برگزید. هنگامی که سخنان خدا را شنیدند، گفتند: ما ایمان نمی‌آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم.» خداوند بر آنها صاعقه‌ای فرستاد و همگی سوختند و از بین رفتند. حضرت موسی علیه السلام از این ماجرا سخت ناراحت شد، چرا که از بین رفتن هفتاد نفر از سران بنی اسرائیل در این ماجرا بهانه خوبی بدست ماجراجویان بنی اسرائیل می‌داد. از اینرو از خداوند متعال بازگشت آنها به زندگی را تقاضا کرد. این تقاضا پذیرفته شد و همه آنها زنده شدند و به زندگی خود ادامه دادند.^۱

۳- قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأُوذِ

قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذْرُءْهُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ

۱. تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۳۱؛ تفسیر کشاف،

ج ۱، ص ۲۱۶؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۵۸؛ مجمع

البیان، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲. بقره/۷۲ و ۷۳.

واقعی می‌شود. کور و پیسی را شفا می‌دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم.»

در کتابهای تفسیر آمده است که حضرت عیسی علیه السلام چهار نفر را زنده کرد.

الف) عازر: که یکی از دوستانش بود و سه روز از فوت او می‌گذشت، عیسی علیه السلام به خواهر وی فرمود: مرا بر سر قبر او ببر. سپس گفت: خداوندا! ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و ای پروردگار زمینها! تو مرا به سوی بنی اسرائیل فرستادی تا آنان را به دین تو بخوانم و به آنان خبر دهم که من مردگان را زنده می‌سازم؛ پس عازر را زنده کن! در این هنگام عازر از قبرش بیرون آمد و سالیانی زندگی کرد و دارای فرزندان شد.

ب) ابن العجوز (پسر پیروزن): او مرده بود و او را در تابوت نهادند که عیسی علیه السلام بر او گذر کرد و از خدا درخواست نمود تا او را زنده نماید،

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۰۲؛ تفسیر المیزان، ج ۱، در ذیل آیه فوق.
۲. آل عمران/۴۹.

او درخواست می‌کنند، و چون از طریق عادی حل این قضیه ممکن نبود، و از طرفی ممکن بود ادامه این کشمکش منجر به فتنه عظیمی در میان بنی اسرائیل گردد، حضرت موسی علیه السلام با استمداد از لطف پروردگار دستور داد که گاو ماده‌ای را بکشند و یکی از اعضاء گاو ذبح شده را به جسد مقتول بزنند، در اینجا بود که مقتول زنده شد و گفت: فلان کس مرا کشت و پس از گفتن این کلام، مجدداً فوت کرد.^۱

داستان فوق بطور اجمال و کوتاه در کتاب تورات، سفر تثبیه، فصل ۲۱ نیز بیان شده است.

۴- در قرآن کریم آمده است:

﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخَيِّبُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^۲

(او پیامبری (عیسی) به سوی بنی اسرائیل [فرستادیم که به آنان گفت:] من با نشانه‌ای از پروردگارتان نزد شما آمده‌ام، من برای شما از گِل [موجودی] مثل شکل پرنده می‌سازم، پس در آن می‌دمم و به اذن خدا پرنده

خدا دعایش را مستجاب کرد و مرده، زنده شد.

(ج) دختر عاشر: از عیسی علیه السلام درخواست کردند که او را زنده کند و حضرت دعا کرد و زنده شد.

(د) سام پسر نوح: حضرت عیسی علیه السلام خدا را به اسم اعظمش خواند تا سام زنده شود. سام زنده شد و گفت: آیا رستاخیز برپا شده است؟ عیسی علیه السلام فرمود: نه، بلکه من تو را به اسم اعظم زنده کردم.^۱

رجعت کنندگان

رجعت جنبه عمومی و همگانی ندارد، بلکه اختصاص به مؤمنان خاص و کافران ستمگر دارد، چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ، لَا يُرْجَعُ إِلَّا مَنْ مَحَصَّ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَصَّ الشُّرْكَ مَحْضًا»^۲

رجعت امری همگانی نیست، بلکه اختصاصی است و تنها کسانی رجعت می کنند که ایمان خالص و یا شرک خالص داشته باشند.

در ذیل به برخی از رجعت کنندگان اشاره می شود.

الف) پیامبران گذشته:

عبد الله بن مسکال از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در تفسیر آیه «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ»^۳

«و زمانی که خدا از پیامبران پیمان گرفت که شما را کتاب و حکمت داده ام، به پیامبری که آیین شما را تصدیق می کند و با رسالت نزد شما می آید بگروید و یاری اش کنید.» فرمود: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا مِنْ لَدُنْ آدَمَ وَهَلَّمَ جَرًّا وَيُرْجَعُ إِلَى الدُّنْيَا فَيَنْصُرُ رَسُولَ اللَّهِ وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»^۴

خداوند هیچ پیامبری را از آدم تا سایر انبیاء، مبعوث نکرد، جز آنکه به دنیا بسازگشته و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری خواهند کرد. ب) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام:

ابن خالد کابلی از امام سجاد علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در تفسیر آیه

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲. البرهان، سید هاشم بحرانی، ج ۲، ص ۴۰۸.

۳. آل عمران/ ۸۱.

۴. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.

کند، [کسانی] در قبر مؤمن داخل شده و به او گفته می‌شود: ای فلانی! مولای تو ظهور کرده است، اگر می‌خواهی که به او پیوندی، پس به او ملحق شو.»

ه) قوم موسی علیه السلام و اصحاب کهف:

امام صادق علیه السلام فرمودند: «يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنَ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ مَعَ سَبْعَةِ وَعِشْرِينَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى علیه السلام الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَغْدِلُونَ وَسَبْعَةَ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَيُوشِعُ بَنُ نُونٍ وَسَلْمَانَ وَأَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيَّ، وَالْمُقَدَّادُ وَمَالِكُ الْأَشْتَرِ؛^۵

حضرت مهدی علیه السلام از پشت کعبه قیام می‌کند و همراه او بیست و هفت نفر مرد هستند. پانزده نفر از قوم حضرت موسی هستند یعنی همان کسانی که به حق راهنمایی می‌کردند و به حق داوری می‌نمودند، و هفت نفر از اصحاب کهف می‌باشند و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر [نیز از آنان] هستند.»

«إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»؛^۱ «آن کسی که قرآن را بر تو فرض نمود، تو را به بازگشتگاهی برمی‌گرداند.» چنین فرمود: «يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةَ؛^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و همه امامان علیهم السلام به سوی شما باز می‌گردند.»

ج) امام حسین علیه السلام اولین رجعت کننده: امام صادق علیه السلام فرمود: «أَوَّلُ مَنْ يَكْفُرُ فِي رَجْعَتِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، يَمُكُّتُ فِي الْأَرْضِ حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبُهُ عَلَى عَيْنَيْهِ؛^۳

اولین شخصی که به دنیا رجعت خواهد کرد، امام حسین علیه السلام است. ایشان آنقدر در زمین زندگی خواهد نمود تا آنکه از فرط پیری دو ابروی او بر چشمانش بیفتد.»

د) مؤمنان:

مفضل بن عمر می‌گوید: در مورد قائم علیه السلام و اینکه برخی از اصحاب ما که منتظر ظهور ایشان بودند از دنیا رفتند گفتگو می‌کردیم که امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِذَا قَامَ آتَى الْمُؤْمِنِينَ فِي قَبْرِهِ قِيَالًا لَهُ: يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقُّ؛^۴

هنگامی که [حضرت مهدی علیه السلام] قیام

۱. قصص/۸۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۶.

۳. همان، ص ۶۳.

۴. غیبت طوسی، ص ۴۵۹.

۵. روضة الواعظین، ص ۲۶۶.